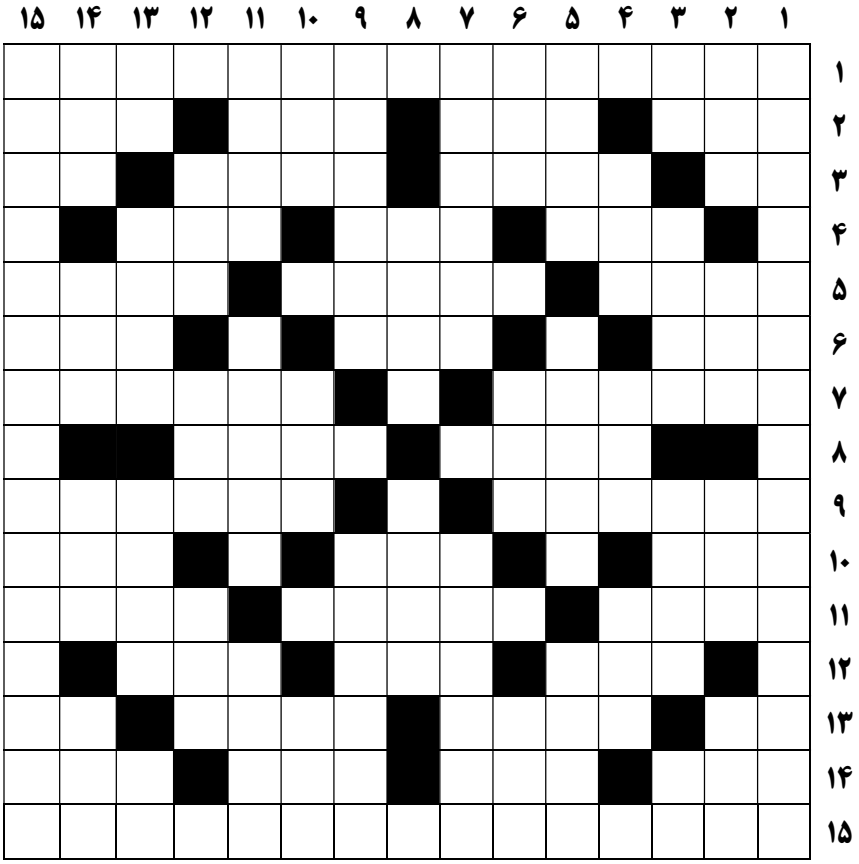

افقی:

۱. کتاب پرفروش رولف دوبلی با ترجمه عادل فردوسی‌پور و همکاران. ۲. پدر رستم – وسیله‌ای برای قطع درختان – ابزاری برای بریدن چوب – خشم و غضب ۳. علامت جمع – روشن نیست – بلیغ و رسا – مخفف اگر ۴. جوهر مرد – محافظت شده – خرقه درویشی ۵. پرنده سحرخیز – دین‌ها – سومین رود بلند ایران پس از کارون و سفیدرود ۶. چاه جهنمی – نام گلی خوشبو – پسوند شباهت ۷. مشاوره – سلاحی قدیمی برای پرتاب سنگ‌های بزرگ ۸. پارچه‌باف – شخصیت معروف کتاب‌های مصور اثر هرژه، نویسنده بلژیکی ۹. آنچه برای یادآوری و یادبود به کسی دهند – ویژه کردن ۱۰. آماس – متضاد فرو – پدران ۱۱. وسیله‌ای برای تیز کردن مداد – از اساتید و ردیف‌دانان آواز ایران – محکم و استوار ۱۲. بن مضارع فعل کوبیدن – سخنی که از روی خشم به کسی گفته می‌شود – ابزار هشدار در خودرو ۱۳. کافی – وسیله‌ای برای ماهیگیری – بخشی از یک سازمان نظامی که دارای افراد و تجهیزات برنامه‌ریزی شده است – سازه‌ای برای گذر از رودخانه ۱۴. زمین تازی – پشت – از شهرهای آلمان – متعلق به من ۱۵. هنرپیشه فقید ایرانی متولد سال ۱۳۳۹ در رشت

عمودی:

۱. کتابی نوشته خالد حسینی، نویسنده افغان / آمریکایی ۲. قوت لایموت – دورویی – دستور – خانه ۳. فرمان – نوعی ماهی کوچک دریای خزر – کیسه‌کش حمام – بر خلاف ۴. مکعبی کوچک که روی هر وجه آن از یک تا شش نقطه قرار داده شده و برای بازی استفاده می‌شود – وسیله‌ای فلزی که به گردن چهارپایان آویزان کنند – شور و اشتیاق ۵. نان بی‌مایه – آدمیزاد – آشوب ۶. مبدا باران – دوست و رفیق – گندم آسیاب شده ۷. تنها دارنده دو نشان اسکار از ایران – پرطرفدارترین ورزش جهان ۸. آب‌های تازی – زخم کوچک و سطحی بر روی پوست ۹. غریبه – ایالات متحده ۱۰. زبان فارسی نو که از زمان ساسانیان رواج دارد – سرزمینی در پنج کیلومتری مکه که بیشتر اعمال حج در آن انجام می‌گردد – دروازه‌بان ۱۱. قوم مشهور حضرت موسی(ع) – انتخاب بی‌پایان – فریاد ۱۲. صافی – بهشت – هفت انگلیسی ۱۳. مخفف یوغ – کتاب مقدس مسلمانان – راستگو – محل اتصال کف دست به آرنج ۱۴. قابلمه بزرگ – سفرنامه جلال آل احمد: ..... در میقات – رنگ آسمان – از موجودات خیالی بسیار زیبا در افسانه‌های فارسی ۱۵. کتابی اقتصادی نوشته گریگوری منکیو با ترجمه دکتر حمیدرضا ارباب